

## ارزش و اعتبار تفکر عقلی در حوزه اعتقادات

### سردبیر

همه گروه‌های فکری اسلامی و فرق کلامی کما بیش اعتبار تفکر عقلی را در معارف دینی پذیرفته‌اند. در این میان شیعه که از ابتدا با روش تحلیل و نقد و بررسی عقلانی آشنا بود و نمونه‌های بسیاری از مباحث عمیق فلسفی را در متون دینی خود می‌یافت در مقایسه با سایرین آمادگی بیشتری نسبت به فراگیری فلسفه از خود نشان داده است. پس از ترجمه کتب فلسفی یونانی به عربی و رواج آنها در میان امت اسلام، بیش از همه شیعیان از افکار فلسفی تأثیر پذیرفتند. بر این اساس فرهیختگان شیعی از همان آغاز با توجه به توانمندی‌های فلسفه برای تبیین و نمایش موافقت و هماهنگی میان فلسفه و دین بویژه معارف ناب شیعی کوشش زیادی کردند. علامه طباطبایی (ره) معتقد است این تلاش از فارابی و ابن سینا گرفته تا سهروردی در قرن ششم، خواجه طوسی در قرن هفتم و حتی ابن ترکه در قرن هشتم تا میرداماد و صدرالمآلهین در قرن یازدهم همواره با احساس نیاز به چنین هماهنگی میان عقل و دین صورت می‌پذیرفته است. از نظر بسیاری از اینان دسترسی به حقایق عالم از هر سه راه ظواهر دینی، برهان عقلی و کشف ذوقی امکان‌پذیر است. در میان این سه، طریق ظواهر دینی شامل کتاب و سنت بر خلاف آن دو راه دیگر، در دسترس عموم است و از طریق آن حقایق آفرینش با ساده‌ترین بیان در اختیار همگان، با هر سطحی از فهم، قرار می‌گیرد. مطالب کشفی نیز مخصوص کسانی است که با تعلیمات دینی و ریاضتهای شرعی آئینه قلوب خود را صیقلی ساخته و برای درک عنایات باطنی و اشراق حقایق، آمادگی دارند. عارفان با ذهنی صاف و نهادی پاک به واقعیت ثابت عالم می‌نگرند و تمامی پدیده‌های جهان را چون آئینه‌هایی می‌یابند که واقعیت ثابت زیبایی را نشان می‌دهد که درک آن هر لذت دیگری را ناچیز می‌سازد. انسان خداشناس با این

جذبۀ عرفانی به عالم بالا متوجه شده و محبت خدا را در دل خود جای می‌دهد. اما آموزه‌های دقیق فلسفی و آنچه با برهان عقلی به دست می‌آید، به کسانی که با ریاضت‌های عقلی ورزیده شده‌اند، و نه عوام، اختصاص دارد.

بهر حال اسلام و بویژه تشیع تفکر عقلی را، اگر نه برای همه مردم، مورد تأیید قرار می‌دهد و اساساً آیا مگر جز این انتظاری بود؟ این تفکر عقلانی است که انسان را با نیاز او به وحی آشنا ساخته و پس از آن در انتخاب دین و تصدیق پیامبر و دیگر اصول دین و مذهب، او را همراهی می‌کند. پس تفکر عقلی نه تنها جزئی از اندیشه مذهبی، بلکه مبنای آن است. البته روش و تفکر مذهبی با روش فلسفی متفاوت است زیرا فلسفه از راه عقل حقایق را در می‌یابد و مذهب از طریق وحی. علامه طباطبایی تأکید دارد که در تفکر مذهبی قرآن یگانه مأخذی است که تعالیم اسلامی از آن سرچشمه می‌گیرد، در حالی که تفکر فلسفی متکی بر برهان است. این تأکید بیش از همه متوجه یکسان نبودن تفکر مذهبی و اندیشه فلسفی است.

این همه اصرار اندیشمندان بزرگی چون علامه طباطبایی بر ورود عقل در مقام فهم دین بخوبی اعتبار تفکر عقلی در حوزه اعتقادات دینی را نشان می‌دهد. در این باره یادآور می‌شود: یک - از همین جا می‌توان تفاوت رأی فیلسوفی چون علامه را با نظر متفکران مشائی مسلمان مانند ابن رشد مشاهده کرد. علامه طباطبایی هرگز عقل را در تعیین تعالیم دینی مؤثر و دخیل نمی‌داند. در حالی که کسی چون ابن رشد بصراحت دینی را کامل و قابل پیروی می‌داند که از دو مبدأ عقل و وحی تغذیه کرده است. دو - بر اساس تمایز میان تفکر مذهبی و فلسفی علامه بر خلاف ملاصدرا هیچ لزومی نمی‌بیند که موافقت عقل را با تمامی تعالیم دینی، ولو با تکلف بسیار، به اثبات رساند. گرچه وی مخالف نبودن آموزه‌های دینی را با مقتضای عقل سلیم، شرط اعتبار و صحت آنها اعلام کرده است. سه - به اعتقاد علامه حجیت عقل صریح و سنت قطعیۀ در تفکر دینی به حجیت کتاب بر می‌گردد. البته اعتبار اخبار و روایات، منوط به عرضه بر قرآن و عدم منافات با آن است ولیکن عقل صریح، حجیت خود را حتی درباره تفکر دینی، دست کم درباره خطوط اصلی معارف اعتقادی، بالاصاله و بالذات دارا بوده و حجیت خود را وامدار هیچ کس و هیچ چیز

نیست. چهار - بهتر آنست که به جای تفکیک میان تفکر عقلی و اندیشه مذهبی به جدایی قلمری فلسفه و ایمان تأکید نماییم. یکی از فوائد و ثمرات این جدایی آن است که سرنوشت ایمان و ادیان الهی به سرانجام یکی از مکاتب فلسفی بستگی نخواهد داشت. در حالی که در صورت امتزاج این دو حوزه، با هر یافته جدید در قلمروی معرفت فلسفی، بروز تحول در حقایق ایمانی دور از انتظار نخواهد بود. پنج - عقل (و نه فلسفه) در قلمروی ایمان و حقایق ایمانی حضوری بس چشمگیرتر از این دارد که تنها در پس قرآن و سنت قرار گیرد. چرا نتوان گفت که مصباح عقل در تمامی ابعاد معارف دینی حتی خداشناسی، اوصاف و افعال باریتعالی نیز باید با روشنگری‌های خود از کلیشه‌ای شدن عقاید، تحجر و تعصب و ایستایی آنها ممانعت بعمل آورد؟ نقش مصباحی عقل نه تنها در برخی از عقاید، بلکه در تمامی مراحل فهم دین می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. حتی آنگاه که عقل از ابراز حکمی صریح در موردی خاص خودداری کرده و آن را به وحی وامی‌گذارد باز هم با دقت تمام درباره فهم عرف از متون دینی با بیان قواعد خاص توصیه‌هایی کرده و سپس آن فهم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و به این ترتیب از کژفهمی‌های رایج از متون مقدس دینی جلوگیری می‌کند. شش - اگر عقل در حیطة خود نظری قطعی (در نفی یا اثبات) بدهد نظر او حاکم است و تنها اگر در موضوعی خاص بی‌نظر باشد یا آن مطلب بکلی خارج از حیطة او باشد رأی نقل، آنهم نقل قطعی، شنیدنی و لازم‌الاتباع است.

\* \* \* \* \*

تأملات عقلانی، گمانه‌زنی‌ها و نظریه‌پردازی‌های متفکران روزگار ما درباره چیستی دین، گوهر دین، زبان دین و معنا داری آن، کارکردهای دین، قلمروی اجتماعی آن، تجربه دینی، انتظارات بشر از دین، انگیزه‌های پیدایش دین، نیاز به دین، قلمروی دین و گستره پاسخگویی دین به نیازهای بشر و... با ایجاد شاخه‌های مختلف دین‌شناسی بهترین گواه بر ورود عملی عقل در حوزه دین است. این مباحث، گر چه بیشتر در دوران اخیر در مغرب زمین مطرح بوده‌اند ولی ما مسلمانان نیز در سنت فکری و میراث فرهنگی خود

مباحث بسیاری در حوزه‌های مختلف دین‌شناسی داریم که می‌توان به شرط آشنایی با متدولوژی جدید و زبان نسل امروز، پرسش‌هایی از این دست را بر سنت کهن و گرانبهای اسلامی عرضه نمود و دست کم در برخی موارد پاسخ‌هایی در خور دریافت کرد. بهر حال در روزگار ما مباحث مربوط به دین‌شناسی و مبانی و مواضع دین در عرصه حیات فردی و اجتماعی انسان از وسعت و جاذبه فراوانی برخوردار است و طرح این مباحث و هر نوع مطالعه در این حوزه نیازمند برخورد اندیشه‌ها و تضارب آراء و نقادی جدی است.

و اینک، مجله مشکوه النور با ساختار و محتوایی نوین به قصد طرح آراء و نظریات پژوهشگران در موضوعات مختلف کلامی، اعتقادی، فلسفی و منطقی بویژه مباحث دین پژوهانه و تطبیقی، با اطمینان به لطف و عنایت الهی، امید دارد با یاری صاحب‌نظران و اندیشمندان توانا و متعهد بتواند به سهم خود گامی هر چند ابتدایی در طرح اندیشه‌های ناب و اصیل و نقد منصفانه نظریات رقیب بردارد.

